

# تیب‌سازی

## در داستان «شیر و گاو»

### چکیده

اگرچه بیشتر داستان‌های کلیله و دمنه از زبان حیوانات (فابل) بیان شده‌اند، هدف اصلی نویسندگان آن بررسی و نقد شخصیت‌ها و تیپ‌های انسانی است. هدف این مقاله بررسی نحوه ساختن این شخصیت‌ها و تیپ‌ها در داستان «شیر و گاو» است که درونی انسانی دارند. از آنجا که کنش‌ها، حالات و عادات اجتماعی و سیاسی مختلف دوران کهن و قوم ایرانی در ترجمه فارسی کلیله و دمنه نمود پیدا کرده‌اند، بر آن شدیم که با استفاده از تحلیل درونی و فرد به فرد اشخاص داستانی، دیدی جامع در باب آن روزگار به دست آوریم. بنابراین تحلیل، همه شخصیت‌های داستان «شیر و گاو» ایستا و اکثر آن‌ها تیپ هستند. داستان در بی‌زمانی و در یک جنگل رخ می‌دهد. زبان مرتبط با شخصیت‌های داستانی اغلب به گونه‌ای پندآمیز است. همچنین، کنش در داستان منطبق با ویژگی‌های فردی هر شخصیت و برخاسته از عوامل روان‌شناختی افراد داستان است.

سیده مانلی هاشمیان

دانشجوی رشته زبان

و ادب فارسی،

دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب

### کلید واژه‌ها:

تیپ، شخصیت، فابل، کنش.

### مقدمه

امروزه آوازه کلیله و دمنه به عنوان اثر بی‌بدیل مشرق‌زمین، پهنه گیتی را در نور دیده است. این کتاب شامل دانش‌ها و حکمت‌های فراوانی است که در زمان‌های گذشته گردآوری شده است و امروزه از آن به صورت یک منبع عملی و اخلاقی استفاده‌های بسیار می‌شود. ساختار این اثر به گونه‌ای است که در خلال داستان‌های بیان شده از زبان حیوانات و گاه انسان‌ها به مواردی از نقد اجتماعی و سیاسی برمی‌خوریم. در متون دیگر ادبی، این گونه کنایات به افراد اول مملکتی و حکومتی، به این وضوح و عمق، کمتر مشاهده می‌شود. گاه این کنایات به قدری نشان‌دارند که هدف اصلی نویسنده به وضوح نمایان می‌شود و ردالت‌های نفسانی و لغزش‌های اجتماعی و کارکردهای غلط سیاسی آن روزگار به راحتی به ما رخ می‌نمایانند و از پرده فراموشی و نسیان به درمی‌آیند.

بیشترین جولانگاه نویسنده در بیان هدف اصلی خود، در خلق شخصیت‌ها نمودار می‌شود. با توجه به این مسئله، در این مقاله

سعی نگارنده بر این بوده است که به بررسی و تحلیل شخصیت‌ها و تیپ‌های داستان بپردازد. در حقیقت، شخصیت‌پردازی و تیپ‌سازی داستان «شیر و گاو»، بر مبنای دسته‌بندی شخصیت‌ها، زبان، مکان و زمان آن‌ها، کنش، ویژگی‌های فردی، رویکرد اجتماعی و سیر روایت شخصیت‌ها صورت می‌پذیرد.

شناخت ساختار شخصیت‌ها و تیپ‌ها و همچنین پی بردن به چگونگی ایجاد آن‌ها در داستان «شیر و گاو»، که به صورتی حیوانی و باطنی انسانی درآمده‌اند، اولویت اصلی این تحقیق است. پژوهشی مستقل و آکادمیک در این باره صورت نگرفته اما به صورت پراکنده در کتاب‌ها به آن‌ها اشاره شده است. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. بیشاب، لئوناردو؛ درس‌هایی درباره داستان نویسی، مترجم: محسن سلیمانی، چاپ اول، مؤسسه انتشارات سوره، ۱۳۷۸.
۲. تقوی، محمد؛ حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی، چاپ اول، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۶.
۳. میرصادقی، جمال؛ عناصر داستان، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۵.

### شخصیت‌پردازی و تیپ‌سازی در داستان «شیر و گاو»

(خلاصه قصه) دو شغال به نام کلیله و دمنه در دربار شیر زندگی می‌کردند. دمنه از توجه شیر به گاو ناراحت می‌شود و به سبب حسادت، زمینه قتل گاو را فراهم می‌کند. کلیله سعی می‌کند با نصیحت، او را از این کار منصرف کند، اما سرانجام گاو به قتل می‌رسد. اتفاقاً پلنگ به نقشه دمنه پی می‌برد و این توطئه را به مادر شیر می‌گوید و به این ترتیب دمنه به سزای عمل خویش می‌رسد و از بین می‌رود.

### شیر

سلطان جنگل و ستمگر است. او خواهان حفظ وضعیت موجود است. شخصیت او ایستاست. «شخصیت ایستا، شخصیتی در داستان است که تغییر نکند یا اندک تغییری را بپذیرد. به عبارت دیگر، در پایان داستان همان باشد که در آغاز بوده است و

# شخصیت در داستان

## کلیده و دهنه

حوادث داستان بر او اثر نکند یا اگر تأثیر بکند، تأثیر کمی باشد» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۹۳-۹۴). ایستایی شخصیت او به این دلیل است که ظلم و دیکتاتوری او تا پایان داستان همراه اوست. شخصیت شیر در این داستان، شخصیتی نمادین نیز هست شخصیت نمادین «شخصیتی است که به نویسنده امکان می‌دهد مفاهیم اخلاقی یا کیفیت‌های روحی و معنوی را به قالب عمل درآورد. فرد نمادین کسی است که عمل و گفتارش در مجموع خواننده را به مفاهیمی فراتر از خودش راهنمایی کند» (داد، ۱۳۷۸: ۱۰۴). «شیر، نماد اشخاص دهشتناک است» (لوفر - دلشو، ۱۳۸۶: ۱۶۳). «شیر، نماد عظمت، اقتدار، دلیری، انرژی، شهامت اخلاقی، عدالت، قانون، قدرت نظامی، شاه درندگان، بی‌رحمی، سفاکی، جنگ، حفاظت، نگهبان، سلطنت و نور است» (کوپر، ۱۳۷۹: ۲۳۴-۲۳۶). همچنین «شیر، مظهر قدرت و توان و نیروست» (یاحقی، ۱۳۷۵: ۲۸۰). زبان شیر در سرتاسر داستان فخیم و استوار است؛ به گونه‌ای که مخاطب گمان می‌کند این سخنانی که از زبان شیر بیان می‌شود، از انسانی نقل می‌گردد.

مکان زندگی شیر جنگل است؛ جنگلی که علاوه بر سرسبزی، نماد جنگ و نزاع و درگیری است که حیوانات درنده در آن تحت سلطه یک قدرت برترند و مفهوم نمادین آن کاملاً با این حکایت ارتباط دارد: «او در حوالی آن مرغزار شیری بود و با او وحوش و سیاه بسیار، همه در متابعت و فرمان او و او جوان و رعنا و مستبذ به رای خویش» (منشی، ۱۳۸۲: ۶۱). در سرتاسر داستان در مورد شخصیت شیر به زمان خاصی اشاره نمی‌شود و می‌توان گفت بی‌زمانی در این داستان وجود دارد.

از جمله روش‌هایی که با استفاده از آن‌ها می‌توان به شخصیت داستان پی برد، ارزیابی عمل و کنش شخصیت در داستان است. در شخصیت شیر، هراس، دودلی و ضعف در تصمیم‌گیری موج می‌زند:

۱. در فرستادن دمنه به نزدیک گاو و بررسی امور او: «چون از چشم شیر غایب گشت شیر تأملی کرد و از فرستادن دمنه پشیمان شد و با خود گفت: در امضای این رای، مصیب نبودم، چه هر که بر درگاه ملوک بی‌جرمی جفا دیده باشد...» (همان: ۷۱).

۲. هراس و ترس او از صدای گاو شنزبه. «چندان که بانگ شنزبه به گوش او رسید هراسی بدو راه یافت و نخواست که سیاه بدانند که او می‌بهراسد بر جای ساکن می‌بود، به هیچ جانب حرکت نمی‌کرد» (همان: ۶۱).

۳. بعد از کشته شدن شنزبه، اندوهگین و پشیمان می‌گردد «چون آثار پشیمانی در وی ظاهر گشت و دلایل آن واضح و بی‌شبهت شد...» (همان: ۱۲۴).

این‌گونه کنش‌های شیر نشان‌دهنده شخصیت ترسو و ضعیف اوست. با توجه به ویژگی‌های فردی در شخصیت شیر خشم و غضب به چشم می‌خورد. روان‌شناسان این جنبه از شخصیت را «سایه» یا «جنبه تاریک شخصیت» نامگذاری می‌کنند: «آرکی تایپ سایه، مسئول نمایان ساختن تمایلات گناه‌آلود بشر، پیدایش و تظاهر رفتارهای ناخوشایند افکار، خواسته‌ها و احساسات ناپسند اجتماعی است» (شاملو، ۱۳۸۸: ۵۱). در حقیقت، این خشم و غضب که از جمله گناهان بزرگ است، از نیروهای ناخودآگاه شیر محسوب می‌شوند که به دلیل سرکوب نشدن، این‌گونه با شدت عمل می‌کنند. شیر از نظر شخصیتی، شخصیتی صفاور دارد: «فرد صفاور که تحت انقیاد طبع صفاور است، به سادگی عصبانی، بی‌حوصله، سرسخت و کینه‌توز می‌شود» (سیگر، ۱۳۷۴: ۱۰۲).

با توجه به رویکرد اجتماعی باید به این مطلب اشاره کرد که چون شیر بر اریکه قدرت سوار است، بعد از کشته شدن گاو (شنزبه)، احساس گناه و خطر می‌کند. البته این احساس خطر از سوی شنزبه نیست: «نگرانی او از داوری مردم و انتقاد آنان است. به این دلیل که می‌خواهد در کشتن گاو اسناد و دلایل محکمی داشته باشد تا موقعیت اجتماعی او بحرانی نشود و این در واقع اقدامی محافظه‌کارانه است» (اطمینان: ۱۳۸۶: ۱۹).

بنابراین، شیر با محافظه‌کاری تلاش می‌کند تا دلایل منطقی برای محاکمه دمنه پیدا کند. شیر به مادر می‌گوید: «بازگوی از کدام کس شنودی، تا آن مرا در کشتن دمنه بهانه‌ای باشد.» (منشی، ۱۳۸۲: ۱۵۵). بر مبنای سیر روایت، شیر شخصیتی منززل و ترسو دارد که قادر به تصمیم‌گیری‌های درست نیست.

بقیه مطلب در وبگاه نشر به

در حقیقت،  
شخصیت‌پردازی و  
تپ‌سازی داستان  
«شیر و گاو» بر  
مبنای دسته‌بندی  
شخصیت‌ها، زبان،  
مکان و زمان آن‌ها  
کنش، ویژگی‌های  
فردی، رویکرد  
اجتماعی و سیر  
روایت شخصیت‌ها  
صورت می‌پذیرد